



## اهداف و مکانیزم‌های سیاست خارجی در اسلام

محسن محمدی الموتی \*

### چکیده

اسلام به عنوان مکتبی جامع و مشتمل بر آموزه‌های فرازمانی و فرامکانی به مبحث سیاست خارجی به عنوان موضوعی مهم و اساسی توجه دارد. تبیین الگوهای رفتاری اسلام به طور عام و موضوع سیاست خارجی به طور خاص در عالی‌ترین شکل آن در آموزه‌های قرآن کریم و سیره پیامبر گرامی اسلام تجلی دارد که این دو منبع ارزشمند مبنای تحلیل و تبیین در مقاله حاضر خواهند بود. بر این اساس و با توجه به چارچوب مفهومی طراحی شده، اهداف سیاست خارجی اسلام نظیر تشکیل نظام توحیدی در جهان، اقامه قسط و عدالت، ابلاغ دین و رساندن آیات الهی، نفی سلطه و دفاع از مظلومان و ... مبتنی بر یک سلسله بنیان‌ها و زیربناهای نظری برگرفته از آیات شریف قرآن شکل گرفت. به منظور دستیابی به این اهداف، دولت اسلامی پیامبر(ص) مکانیزم‌های متعدد سیاسی، دیپلماسی، اقتصادی، تبلیغاتی و دفاعی را با لحاظ کردن منابع قدرت در سیاست خارجی و شرایط محیطی عصر ظهور اسلام مورد بهره برداری قرار دادند که تأمل و دقت در آن نشان می‌دهد دولت نبوی و شخص رسول مکرم اسلام به رغم مشکلات طاقت‌فرسا و چالش‌های فراروی موجود در جزیره العرب و خارج از آن توانست با در نظر داشتن رابطه دو مقوله اهداف و مکانیزم‌های سیاست خارجی و به کارگیری الگوهای رفتاری شایسته در این حوزه اسلام را به فراسوی مرزهای عربستان گسترش داده و تمدن بزرگ اسلامی را پایه‌گذاری نمایند.

---

\* دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی

## کلید واژه‌ها: اسلام، پیامبر، سیاست خارجی، دیپلماسی

### مقدمه

موضوع سیاست خارجی و تحلیل آن یکی از مباحث اساسی رشته روابط بین‌الملل است و دانشوران این رشته تلاش دارند با رویکردی علمی و مطالعات روشمند، رفتار سیاست خارجی کشورها را در عرصه بین‌المللی توضیح دهند. ضرورت و اهمیت توجه به این مقوله از آن روست که مهمترین وظیفه و کارکرد سیاست خارجی هر کشور تأمین منافع ملی و تولید امنیت برای آن واحد سیاسی است. امری که حصول آنها موجب اعتلای یک جامعه و کشور و شکست در آن موجب افول و حتی نابودی آن کشور می‌گردد. از این‌رو می‌توان گفت سیاست خارجی مقوله‌ای بسیار مهم و حیاتی در سرنوشت کشورهاست و شایسته توجه علمی و مطالعات روشمند برای فهم موضوعات آن است.

از سوی دیگر اسلام به عنوان مکتبی مشتمل بر آموزه‌های فرازمانی و فرامکانی که همواره تحول‌زا و منشأ حرکت‌های مختلف اجتماعی و سیاسی بوده، به مبحث سیاست خارجی به عنوان موضوعی مهم و اساسی توجه داشته است.

اما آنچه حائز اهمیت است، تبیین الگوهای رفتاری اسلام به طور عام و موضوع سیاست خارجی به طور خاص است که در عالی‌ترین شکل آن در تعالیم قرآن کریم و سیره پیامبر گرامی اسلام تجلی دارد. به عبارت دیگر قرآن کریم به عنوان کتاب جاویدان هدایت بشریت و سیره پیامبر گرامی اسلام به عنوان بهترین اسوه و الگوی ارائه شده در این مکتب، مبنای تبیین و تحلیل ما از سیاست خارجی در اسلام خواهد بود. پیامبر اسلام به رغم مشکلات طاقت‌فرسا و چالش‌های فراروی موجود در جزیره العرب و خارج از آن با الهام از دستورات قرآن کریم و به کارگیری الگوهای رفتاری شایسته در سیاست خارجی، توانستند اسلام را به فراسوی مرزهای عربستان گسترش داده و تمدن بزرگ اسلامی را پایه‌گذاری نمایند.

بنابراین ضروری است ضمن مراجعه به تعالیم و معارف قرآنی برای دستیابی به مبانی و شناخت اهداف مهم سیاست خارجی در اسلام، به ابعاد مختلف رفتار سیاست خارجی پیامبر گرامی اسلام و راز و رمز موفقیت آن حضرت به خصوص در دوره تشکیل دولت اسلامی در مدینه نیز توجه ویژه مبذول داشت تا بتواند به عنوان الگویی کامل و تمام عیار، مورد استفاده قرار گیرد. با عنایت به این مهم، مقاله حاضر در پی تبیین دو شاخصه اهداف و مکانیزم‌ها در سیاست خارجی اسلام است. بدین‌منظور نویسنده به جای استفاده از تئوریهای مختلف روابط بین‌الملل با ارائه چارچوبی مفهومی برای تحلیل سیاست خارجی ضمن بیان مبانی هدف‌گذاری و اهداف سیاست خارجی اسلام به مکانیزم‌های دستیابی به آن اهداف اشاره می‌نماید.

## الف - چارچوب نظری

معمولاً به منظور تبیین و تحلیل سیاست خارجی کشورها از تئوری‌های مختلف روابط بین‌الملل استفاده می‌شود. تئوری‌های مذکور از این جهت مورد توجه واقع می‌شوند که از یک سو توضیح دهنده تداومها و گسست‌های موجود در رفتار خارجی کشورها هستند و از سوی دیگر چگونگی شکل‌گیری اهداف و منافع واحدهای سیاسی را مطرح می‌سازند. فارغ از این مزیت از آنجا که هر نظریه‌ای اولاً در بستر سیاسی، فرهنگی و گفتمانی خاص خود شکل می‌گیرد و ثانیاً به تبع دخالت داشتن زمینه‌های فکری تئوری‌پرداز در آن، در راستای اهداف خاصی طراحی می‌شود، برای جبران این نقیصه می‌توان از روش دیگری استفاده نمود.

به عبارت بهتر، به جای تلاش در جهت گنجاندن مجموعه رفتارهای خارجی کشورها در قالب یک تئوری خاص، می‌توان از چارچوب‌های تئوریک برای درک و تحلیل سیاست خارجی کشورها بهره برد. ارائه یک چارچوب نظری برای مطالعه سیاست خارجی، ضمن این که می‌تواند اطلاعات گوناگون درباره سیاست خارجی کشورها را نظم ببخشد، برای محقق این امکان را فراهم می‌کند تا بتواند بر مبنای آن داده‌ها و اطلاعات، نظریه‌ای منطبق با قالب تئوریک طراحی شده استخراج نماید. از این رو مقاله حاضر در نظر دارد با یک چارچوب تئوریک وارد بحث سیاست خارجی شود. حال اگر سیاست خارجی را «مجموعه خط‌مشی‌ها، تدابیر، روش‌ها و انتخاب مواضعی که یک دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی و در چارچوب امورات کلی حاکم بر نظام سیاسی اعمال می‌کند» (محمدی، ۱۳۷۷، ۱۸)، تعریف نماییم در این صورت می‌توان گفت حوزه و قلمرو سیاست خارجی هر کشوری شامل دو قسمت مجزای اهداف و روش‌ها می‌شود.

به عبارت دیگر اگر سیاست خارجی را به منزله یک پیوستار تصور کنیم در یک سوی آن با مقوله‌ای به نام اهداف سیاست خارجی و در سوی دیگر پیوستار با مقوله مکانیزم‌های سیاست خارجی مواجه هستیم. اهداف سیاست خارجی همان اموری است که نظام‌های سیاسی در صحنه بین‌الملل دنبال می‌کنند و درصدد دستیابی به آن هستند. منظور از مکانیزم‌ها روش‌هایی است که یک واحد سیاسی برای رسیدن به اهداف مزبور اتخاذ و اعمال می‌نماید.

بنابراین می‌توان گفت درک روند همه جانبه اقداماتی که در حوزه سیاست خارجی از سیاست‌گذاری تا اجرای آن صورت می‌پذیرد در گرو دقت در شناخت و در نظر داشتن رابطه دو مقوله اهداف و مکانیزم‌های سیاست خارجی است. بدین سبب چارچوب تئوریک اتخاذ شده در این مقاله بر این اساس مورد توجه قرار می‌گیرد.

### ۱- اهداف در سیاست خارجی

اساساً هر دولتی داده‌های سیاست خارجی خود را براساس یک سلسله اصول و اهدافی تنظیم می‌کند که شناخت آنها از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا شالوده و اساس خط‌مشی و

دیپلماسی هر کشور به وسیله اصول و اهداف از پیش تعیین شده آن کشور رقم می‌خورد و در عمل نیز راهنمای مجریان و تصمیم‌گیران سیاست خارجی قرار می‌گیرد. از آنجا که اهداف همیشه به یک شکل و صورت باقی نمی‌ماند، سلسله مراتبی برای اهداف متنوع ملی در نظر گرفته می‌شود که واحدهای سیاسی در عرصه سیاست بین‌الملل اولویت‌های متفاوتی را برای خویش قائل می‌شوند. بدین ترتیب در بعضی مواقع ممکن است امنیت ملی، مسائل تکنولوژیک و توسعه اقتصادی و یا مسائل ایدئولوژیک نخستین هدفهای سیاست خارجی تلقی شود. در حالی که با دگرگون شدن پاره‌ای از شرایط، نوعی جابه‌جایی در اهداف صورت پذیرد (قوام، ۱۳۸۰، ۱۰۹-۱۰۸).

به طور کلی اهداف سیاست خارجی را در یک دسته‌بندی کلان می‌توان به اهداف عام و اهداف خاص تقسیم‌بندی کرد. منظور از اهداف عام سیاست خارجی، اهدافی است که در همه کشورها و فارغ از نوع نظام‌های سیاسی آنها در کانون عملیات سیاست خارجی بوده و هیچ کشوری نمی‌تواند آن اهداف را دنبال نکند. تأمین امنیت ملی، تأمین رفاه اقتصادی شهروندان، رشد و توسعه اقتصادی جامعه، گسترش و توسعه و کسب احترام نسبت به فرهنگ جامعه در عرصه جهانی و ... در زمره اهداف عامی است که همه کشورها در آن اشتراک دارند. اهداف خاص سیاست خارجی شامل، اهدافی می‌شود که با توجه به نوع ایدئولوژی نظام سیاسی یا به لحاظ تجربه تاریخی، هویت فرهنگی و انقلابی، ساختار اجتماعی و ترکیب نخبگان، جغرافیا و سامان سیاسی و ... طراحی شده و نمود می‌یابد. آن چه مهم است این که اگر میان اهداف عام و خاص سیاست خارجی رابطه مستقیمی برقرار گردد، سیاست خارجی موفق‌تری حاصل خواهد شد (سجادپور، ۱۳۸۳، ۵۸-۵۷).

## ۲- مکانیزم‌های سیاست خارجی

چنانچه گفته شد منظور از مکانیزم در سیاست خارجی، همان روش‌ها و شیوه‌های دستیابی به اهداف سیاست خارجی با توجه به عوامل و منابع قدرت ملی و محیط بین‌المللی است. دولت‌ها بر اساس مقدرات ملی و همچنین تحت تأثیر ساختار و فرایند نظام بین‌المللی مکانیزم‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی و دفاعی را جهت دستیابی به اهداف برمی‌گزینند. هر واحد سیاسی به اقتضای شرایط و امکانات خود از یک یا چند مورد از این شیوه‌ها استفاده می‌کند. مکانیزم‌های سیاسی و دیپلماتیک عمدتاً از تلاش پرسنل ماهر تشکیل شده است این افراد می‌توانند در کشور هدف به گونه‌ای عمل کنند که فرایند سیاسی آن را در جهت منافع کشور خویش هدایت کنند. مکانیزم‌های اقتصادی یکی از معمول‌ترین و کارآمدترین روش‌های اجرایی سیاست خارجی است.

هرچه کشور هدف از لحاظ اقتصادی به کشور صاحب تصمیم وابسته‌تر باشد، اهرم‌های

اقتصادی، تعیین‌کننده‌تر خواهد بود. مکانیزم‌های تبلیغاتی شامل استفاده از رسانه‌های جمعی و ارتباط با افکار عمومی ایده‌سازی، ایجاد گفتمان جدید و ظرفیت‌سازی در کشورهای هدف است و در نهایت مکانیزم‌های دفاعی و نظامی که پس از عدم کارآیی سایر روش‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (خوشوقت، ۱۳۷۵، ۲۶۸-۲۶۶). نکته قابل توجه این است که انتخاب هر یک از مکانیزم‌های فوق بستگی به شناخت کامل از دو مؤلفه منابع قدرت ملی و محیط بین‌المللی دارد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

## ۲-۱- منابع قدرت ملی در سیاست خارجی

آنچه که مشخص است این که بسیاری از اهداف و خط‌مشی‌ها یا طرح‌ها و ایده‌ها زمانی که به مرحله اجرا می‌رسند، با سدهای سهمگین منابع و ابزارها روبرو می‌شوند. در مواردی فقدان منابع کافی و ناکارآمد بودن، آن هدف‌های ستودنی را به پرتگاه‌های تاریخی برای ملت‌ها تبدیل می‌کند. بنابراین درک دقیق‌تر تحلیلی از واقعیت‌های شکل دهنده به سیاست خارجی، چگونگی ارزیابی و در ترازو نهادن عملکرد سیاست خارجی و انتخاب نوع مکانیزم در مناسبات خارجی در گرو مطالعه و دقت در شناخت منابع قدرت و میزان توازن است که آن کشور می‌تواند میان اهداف دست‌یافتنی و ابزار و منابع در دسترس فراهم آورد (سجادپور، ۱۳۸۳، ۵۶-۵۵).

هانس. جی. مورگنتا سیاست‌شناس آمریکایی هشت عنصر را به عنوان زیربنای قدرت معرفی کرده است. این هشت عنصر عبارتند از: موقعیت جغرافیایی، وجود منابع طبیعی، ظرفیت صنعتی، آمادگی نظامی، جمعیت، خصوصیات ملی، روحیه ملی و کیفیت دیپلماسی.

رودلف اشتاین مترن نویسنده آلمانی هم به نوبه خود به هشت عنصر جمعیت، وسعت سرزمین، ثروت تأسیسات سیاسی، کیفیت فرماندهی، وحدت ملی، حفظ حرمت و دوستی قدرت‌های خارجی و کیفیت اخلاقی اشاره می‌کند (کازمی، ۱۳۶۹، ۱۳۸-۱۳۷). با مراجعه به این نظریه‌ها و دیدگاه‌ها در مجموع می‌توان گفت: منابع قدرت هر کشور از عناصر مادی و غیر مادی تشکیل می‌شود که در صورت ائتلاف آن دو می‌توان قدرت یک کشور را تا اندازه‌ای مورد سنجش و ارزیابی قرار داد.

به طور خلاصه مهمترین عناصر مادی قدرت یک کشور را مؤلفه‌های اقتصادی، جغرافیایی و ژئوپولیتیک، تجهیزات نظامی و تعداد نظامیان تشکیل می‌دهد. عناصر غیر مادی قدرت را از آن جهت که به طور عمده نامحسوس و کیفی محسوب می‌شوند نمی‌توان به راحتی مورد ارزیابی قرار داد. شاخص‌ترین مؤلفه‌های این عناصر را دین و ایدئولوژی، رهبری، روحیه ملی و فرهنگی می‌توان تشکیل می‌دهد. ذکر این نکته لازم است که عناصر غیر مادی قدرت نه تنها اهمیت کمتری از عناصر مادی ندارند بلکه در بسیاری از مواقع می‌توان گفت که وجود عناصر نامحسوس قدرت در شکل‌گیری و تداوم آن تأثیر به‌سزائی دارد (خدادادی، ۱۳۸۵، ۷۲-۶۷).

## ۲-۲- محیط در سیاست خارجی

همان‌گونه که قبلاً تأکید شد، سیاست خارجی اهداف تعیین شده برای یک کشور، همراه با مکانیزم‌های مناسب برای رسیدن به آن اهداف را در برمی‌گیرد. در این میان عامل محیط یا سیستم، هم بر تعیین اهداف و هم اتخاذ مکانیزم‌ها تأثیر به‌سزائی می‌گذارد. سیاست خارجی کشورها تحت تأثیر دو عامل عمده شکل می‌گیرد که عبارتند از محیط ذهنی و محیط عینی. محیط ذهنی یعنی ارزش‌ها، تصورات، نگرانی‌های ملی سیاست‌گذاران بر آنچه که انجام دادنش برای آنان مطلوب است تأثیر می‌گذارد اما محیط عینی که شامل محیط داخلی، منطقه‌ای و جهانی باشد تعیین‌کننده آن چیزی است که دولت‌ها قادر به انجام آن هستند (waItz, 1973).

شرایط محیط بین‌المللی (منطقه‌ای و جهانی) که شرایط سیستمی نامیده می‌شود، از دو طریق بر رفتار و سیاست خارجی دولت‌ها تأثیر می‌گذارد. نخست این‌که شرایط سیستمی در اغلب موارد به وجود آورنده محدودیت‌ها و در برخی موارد به وجود آورنده فرصت‌ها است. همچنین موجب برخی نیروهایی می‌شوند که دولت‌ها را به یک جهت خاص وا می‌دارند یا از آن بازمی‌دارند (فشارها). حتی اگر شرایط محیطی نتوانند تأثیر بسزائی بر شکل‌گیری اولیه خط‌مشی‌های سیاست خارجی یک دولت داشته باشند می‌توانند در موفقیت یا عدم موفقیت آن نقش محوری داشته باشند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴، ۴۶-۴۵).

## ب - سیاست خارجی در اسلام

دین مبین اسلام مجموعه‌ای از اعتقادات، اصول، احکام و قواعدی است که براساس تعالیم وحیانی قرآن کریم و سیره معصومین(ع) بنا گشته و به منظور هدایت بشر در هر زمان و مکانی ایفای نقش می‌کند. از میان موضوعات مختلف فردی و اجتماعی در این دین مقدس، موضوع سیاست خارجی به عنوان یکی از مباحث مهم مورد توجه بوده است.

با توجه به مباحث تئوریک مطرح شده درباره سیاست خارجی، لازم است نخست مقصودمان از سیاست خارجی اسلام، مشخص و روشن گردد. منظور از سیاست خارجی در اسلام، فعالیت‌هایی است که حضرت محمد(ص) به عنوان رئیس حکومت و نمایندگان و سفرای منتخب ایشان در راه نیل به مقاصد و ادای وظایف سیاسی دولت اسلامی و تحقق بخشیدن به خط‌مشی‌های کلی اسلام در زمینه سیاست خارجی و همچنین پاسداری از حقوق و منافع دولت اسلامی در میان قبایل و گروه‌های دینی و دولت‌های غیرمسلمان در خارج از قلمرو حکومت اسلامی انجام می‌داده‌اند (موسوی، ۱۳۸۲، ۴۷).

بدون تردید سیره پیامبر اعظم(ص) در زمینه سیاست خارجی، مبتنی بر یک سلسله

بنیان‌ها و زیربناهای نظری برگرفته از آیات شریف قرآن کریم شکل گرفت که آشنایی با آنها ما را در شناخت بهتر شاخص‌های سیاست خارجی اسلام یاری می‌رساند. به عبارت دیگر شناخت ضوابط معیارها و رفتارهای سیاست خارجی در اسلام با ابتناء به آموزه‌های قرآن کریم و سیره سیاسی رسول خدا امکان پذیر است و مبنای تبیین و تحلیل از الگوهای رفتاری اسلام به طور عام و موضوع سیاست خارجی به طور خاص نیز بر این اساس خواهد بود.

نکته قابل توجه اینکه اگرچه بررسی در باب سیاست خارجی در جهان امروز مبتنی بر وجود و پذیرش واحدهای سیاسی بر اساس الگوی دولت-ملت و جغرافیای سیاسی خاص آن قابل توضیح است اما تقسیم‌بندی جغرافیای سیاسی از دیدگاه اسلام مبتنی بر نگرش عقیدتی و تقسیم جهان به دو بخش دارالاسلام و دارالکفر خواهد بود. از این جهت در بحث سیاست خارجی اسلام ضرورتاً به نحوه تعامل دولت نبوی نه تنها با دولت‌های آن زمان بلکه با قبائل و طوائف مشرک نیز اشاره می‌شود.

### ۱- مبانی هدفگذاری سیاست خارجی در اسلام

پیش از آن‌که به بیان اهداف سیاست خارجی اسلام بپردازیم لازم است ابتدا با مبانی هدفگذاری آن آشنا شویم. به عبارت دیگر شناخت مبانی هدفگذاری در سیاست خارجی اسلام از مهم‌ترین مسائلی است که پیش از بیان اهداف باید مورد توجه واقع شود.

#### ۱-۱- توحید:

توحید از مهم‌ترین مبانی سیاست خارجی دولت اسلامی است. این اصل محور اصلی دیپلماسی در اسلام را تشکیل می‌دهد. اعتقاد به یگانگی خدا زیربنا و اساس همه ادیان آسمانی به خصوص اسلام است و تمام شئون آن اعم از عقائد، احکام و اخلاق بر آن استوار است. قرآن کریم، انسانها را به توحید دعوت کرده و شرک را تنها گناهی که قابل آمرزش نیست معرفی می‌کند. «ان الله لا یغفر ان یشرك به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء» (نساء، ۴۸). همچنین قرآن کریم در آیه ۳۳ سوره فصلت زیباترین سخن را سخن کسی می‌داند که مردم را به سوی خدای یگانه دعوت می‌کند و در آیه ۶۴ سوره آل عمران، اهل کتاب را به پیروی از کلمه حق که همانا پرستش خدای یگانه است فرمان می‌دهد.

پیامبر اسلام نیز دعوت خویش را از توحید شروع نمود و این اصل مبنای اولیه دعوت پیامبر بود (موسوی، ۱۳۸۲، ۴۸). مطابق این اصل اعتقاد بر این است که خالق و آفریننده انسان و جهان و همه عوامل موجود در آن تنها ذات مقدس تبارک و تعالی است و انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند مگر این که اطاعت او اطاعت خدا باشد. براین اساس هیچ انسانی هم حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند یا بنابه خواسته‌ها و امیال خود رفتار و روابط با دیگران را تنظیم نماید. بنابراین انسان باید براساس

این اصل علیه بندها و زنجیرهای اسارت و در برابر افرادی که به اسارت دعوت می‌کنند قیام کند و خود و جامعه‌اش را آزاد سازد تا همگی تسلیم و بنده خدا باشند (صحیفه نور، ۱۶۷-۱۶۶).

### ۲-۱- عدالت

با نگاهی به تعالیم و معارف قرآن کریم و آموزه‌های پیامبر اکرم(ص) کمتر مسأله‌ای را می‌توان یافت که از نظر اهمیت به پای اصل عدالت برسد. تأملی گذرا و بررسی اجمالی ده‌ها آیه (ممتحنه، ۸) و صدها حدیث در تبیین فضیلت عدالت وزشتی و نکوهش ظلم، نشانگر این واقعیت است که مسأله عدالت همچون توحید در تمامی اصول و فروع و ابعاد عقیدتی و عملی دین ریشه دوانده است.

از دیدگاه اسلام نظام هستی بر اساس حق و بر محور عدل استوار است و به عنوان یک واقعیت جاودانه، قرآن کریم فلسفه بعثت و نهضت‌های انبیاء الهی را این اصل کلی بیان می‌کند که پیامبران آمدند تا عدل و دادگری و قسط و انصاف بر نظام زندگی انسان‌ها و جوامع سایه بگستراند و مردم برای عدالت به پا خیزند.

«لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط»

(حدید، ۲۵).

همچنین قرآن کریم در آیات بسیاری ضمن مشروع دانستن روابط بین‌المللی، مسلمانان را از داشتن روابط حسنه بر اساس قسط و عدالت نسبت به کفاری که ستم‌پیشه و تجاوزکار نباشند باز نمی‌دارد.

«لا ینھکم اللہ عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین ولم یخرجواکم من دیارکم ان

تبروهم و تقسطوا الیهم ان اللہ یحب المقسطین» (ممتحنه، ۸)

همانطور که از این آیه بر می‌آید احسان و اصل عدالت در مواجهه با ملل غیر اسلامی که محارب با امت اسلامی نیستند مورد تأیید قرار می‌گیرد.

### ۳-۱- نفی سبیل

قاعده نفی سبیل یکی از اصول مهم حاکم بر سیاست خارجی اسلام محسوب می‌شود. این اصل بر تمام مسائل روابط خارجی و بین‌الملل اسلام در زمینه‌های گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی و... حاکمیت دارد و تمامی آنها می‌بایست براساس آیه شریفه «ولن یجعل ا... للکافرین علی المومنین سبیلا» (نساء، ۱۴۱) برنامه‌ریزی و کنترل گردد.

براساس قاعده نفی سبیل راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف می‌بایست مسدود شود. عدم تسلط بر مقدرات و تدابیر نظامی، عدم وابستگی اقتصادی، جلوگیری از نفوذ فرهنگی و... در این راستا مورد توجه قرار می‌گیرد.

در حوزه سیاست خارجی، نپذیرفتن تحت‌الحمایگی، نفی ظلم و استبداد و استعمار، جایز نبودن مداخله بیگانگان در امور داخلی کشور اسلامی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی مورد تأکید است. بنابراین قاعده نفی سبیل بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است که جنبه سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی امت اسلامی در حفظ استقلال سیاسی و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی است (سجادی، پاییز ۱۳۸۱، ۱۷۶).

بدون تردید مفهوم چنین اصلی مبتنی اصل عزت اسلامی در روابط خارجی مسلمانان است و علاوه بر آیات قرآن کریم، روایات معصومین (ع) نیز آن را مورد تأکید قرار می‌دهد. در همین راستا رسول گرامی اسلام می‌فرمایند:

**الاسلام یعلو و لا یعلی علیه؛ اسلام علو و برتری می‌یابد و هیچ چیز بر او**

**علو و برتری نمی‌یابد** (صدوق، ۲۴۳).

این حدیث در واقع نه تنها نشان دهنده علو اسلام است بلکه پیامبر گرامی اسلام هرگونه اعتلای بیگانگان بر مسلمانان را نیز نفی می‌نمایند.

#### **۴-۱- تولی و تبری**

قرآن کریم برای تنظیم روابط اجتماعی و سیاسی پیروان خود یک اصل کلی را تحت عنوان «ولایت و برائت» یا «تولی و تبری» تعیین کرده و از آنان خواسته تا این اصل را پایه و محور عمل خود قرار دهند. این اصل به عنوان یکی از فروع اعتقادی اسلام عامل تنظیم روابط سیاسی و اجتماعی در عرصه سیاست خارجی میان مسلمانان و دیگران است.

در بینش اسلامی مسلمان باید بدانند به عنوان جزئی از کل، عضو پیکر جامعه اسلامی است و این مسأله خواه ناخواه شرائط و حدودی را ایجاب می‌کند. همچنین ولاء منفی در اسلام عبارت است از این که مسلمان همواره در مواجهه با غیرمسلمان بدانند با اعضاء یک پیکر بیگانه مواجه است و این مسأله ایجاب می‌کند که روابط مسلمانان با آنها محتاطانه باشد. البته این مسأله به معنای قطع ارتباط با غیر مسلمانان نیست (مطهری، ۱۳۸۵، ۱۹-۱۸).

از این رو سیاست خارجی دولت اسلامی نسبت به ملل و کشورهای مسلمان با ملاک نزدیکی آنان به اسلام و میزان تبعیت‌شان از قوانین اسلامی تعیین می‌شود و در رابطه با کشورهایی که دارای خط‌مشی سیاسی ظالمانه و تجاوزطلبانه هستند باید دستورالعمل «کونوا لظالم خصما و للمظلوم عونا» ملاک و مجوز روابط سیاسی قرارگیرد و با توجه به میزان گرایش‌های ظالمانه آنها تبری صورت پذیرد (شکوری، ۱۳۶۱، ۵۲۹).

#### **۵-۱- التزام و پایبندی به پیمان‌های سیاسی**

وفا به عهد و احترام به قراردادهای پیمان‌های سیاسی به عنوان یک اصل مهم در سیاست

خارجی اسلام محسوب می‌شود و آیاتی از قرآن کریم بر این مسأله تأکید دارد:

«یا ایها الذین امنوا اوفوا بالعقود» ای اهل ایمان به عهد و پیمان خود وفا کنید

(مائده، ۱) و در جای دیگر آمده: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» وهمه باید

به عهد خود وفا کنید که البته از عهد و پیمان سوال خواهد شد (اسراء، ۳۴).

از تأکید این آیات به دست می‌آید که مسلمانان باید نسبت به عهد و قرارهایشان کاملاً وفادار باشند گرچه به ضرر مادی آنها تمام شود. در نظر اسلام، پیمان محترم است. در هر شرائط و طرف پیمان هم هر که باشد حتی فاسق یا کافر، مسلمین باید با اعمالشان به دیگران درس انسانیت و فضیلت و دوستی بدهند (امینی، بهمن ۱۳۶۴، ۱۳۴).

فلسفه تأکید اسلام بر لزوم وفاداری بر عهد و پیمان، ایجاد زمینه توافق بر همزیستی و زندگی مسالمت‌آمیز است تا انسان‌ها با آزادی و صلح و امنیت با یکدیگر زندگی کنند و اصول و قواعد حاکم بر زندگی مشترک بر اساس توافق و اراده مشترک تنظیم‌گردد (عمید زنجانی، ۴۷۶).

#### ۶-۱- همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح

در فرهنگ و فقه سیاسی اسلام دو واژه سلام و صلح از اهمیتی بسیار برخوردار است و بی‌دلیل نیست که آموزه‌های قرآن و سیره پیامبر اکرم(ص) در رسالت و سیاست خویش اصل همزیستی مسالمت‌آمیز را یکی از اصول مهم حاکم بین پیروان خود و مناسبات آنها با سایر ملت‌ها مطرح کرده است. در قرآن کریم آمده است:

«وان جنحوا لسلم فاجنح لها» هرگاه کفار از صلح استقبال کردند تونیز از آن

استقبال کن (انفال، آیه ۶۱).

و در آیه ای دیگر فرموده:

«یا ایها الذین امنوا ادخلوا فی السلم کافه» ای مؤمنان همگی در صلح درآیید

(بقره، آیه ۲۸).

عملکرد پیامبر اکرم(ص) نیز در طول ۱۳ سال زندگی در مکه نشان می‌دهد که ایشان هیچ‌گاه در این دوره مبادرت به جنگ ننمود ولی پس از هجرت به مدینه و فراهم آمدن شرائط و شکل‌گیری دولت اسلامی به دفاع در مقابل کفار و مشرکان قریش بر اساس اذن خداوند پرداخت. به هر ترتیب آیات قرآن کریم در زمینه روابط مسلمین با کفار و نیز سیره رسول گرامی اسلام در دوران دولت نبوی حاکی از این است که سیاست خارجی اسلام بر اساس زندگی مسالمت‌آمیز استوار گردیده است و اسلام همیشه در پی آن است که در جهان صلح و آرامش برقرار شود. البته صلح‌طلبی مورد قبول اسلام، صلح شرافت‌مندانه است نه از موضع رفاه جویی وضعف. علاوه بر این، شعار صلحی که نقاب تجاوز را به همراه دارد و از موضع نفاق و توطئه عنوان می‌گردد در منطق اسلام مردود است.

## ۲- اهداف سیاست خارجی در اسلام

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان برخی اهداف سیاست خارجی در اسلام را که مبتنی بر مبانی و بنیان‌های پیش گفته می‌باشد به شرح زیر معرفی نمود.

### ۲-۱- اعتلای کلمه توحید و حاکمیت آن بر جهان

توحید و تشکیل نظام توحیدی در جهان هدف اصلی سیاست خارجی اسلام بوده و دعوت اولیه پیامبر گرامی اسلام در دوران دعوت سری و علنی بر توحید و یگانگی خداوند استوار بود. روزی که سران قریش سیاست تطمیع را در پیش گرفتند و از ابوطالب خواستند تا از پیامبر بخواهد دست از مخالفت با آنها بردارد، رسول خدا آن‌ها را به توحید و پرهیز از بت پرستی فراخواند. هنگامی که پایه‌های اسلام، در میان بستگان نزدیک پیامبر و سپس قوم عرب قوی و مستحکم شد، پیامبر مأموریت گسترده‌ای یافتند و مأمور انداز جهانیان شدند و به خاطر همین مأموریت بود که پیامبر(ص) نامه‌هایی به سران بزرگ جهان آن روز در خارج از شبه جزیره عربستان نوشتند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۴، ج ۲۰، ۳۸۱ - ۳۸۰) و به این آیه اشاره فرمودند:

«قل يا اهل الكتاب تعالوا الي كلمة سواء بيننا وبينكم الا نعبد الا الله ولا نشرك

به شيئاً» بگو ای اهل کتاب بیاید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان

است، پیروی کنید که به جز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیم و چیزی را با

او شریک قرار ندهیم (آل عمران، ۶۴).

بنابراین هدف اصلی سیاست خارجی اسلام دعوت جهانیان به اصل توحید بوده و تمامی استراتژی‌های پیامبر برای اعتلای کلمه توحید و حاکمیت آن بر سراسر جهان اختصاص داشته است (جلیلی، ۱۳۷۴، ۴۴). بر این اساس قرآن کریم تصریح می‌فرماید:

«وما ارسلناك الا كافة للناس بشيرا ونذيرا ...» «ما تورا نفرستادیم مگر برای

همه مردم جهان (سبا، ۲۸).

روایات متعددی که در تفسیر آیه مذکور از طرق شیعه و سنی نقل شده، آن را در راستای جهانی بودن دعوت پیامبر اسلام تفسیر می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱۸، ۱۰۶-۱۰۴).

### ۲-۲- اقامه قسط و عدالت

برقراری قسط و عدالت را می‌توان به عنوان یکی از اهداف مهم سیاست خارجی اسلام به شمار آورد چنان‌که فلسفه بعثت پیامبران و تشریح ادیان به منظور تحقق قسط و عدل به مفهوم وسیع کلمه در نظام حیات انسان بوده است.

پیامبر(ص) عدالت را ضامن بقای جامعه می‌دانستند و توجه و اهتمام فراوان ایشان به آن به عنوان یک اصل اساسی در سیاست‌ها و روش آن حضرت حتی در قبل از اسلام نیز مشاهده می‌شود. این رویه در سیاست خارجی آن حضرت به خوبی مشهود است. هنگامی که دامنه

دعوت و حکومت پیامبر گسترش پیدا می‌کند و قبائل و کشورهای خارجی به حاکمیت اسلام در می‌آیند، پیامبر(ص) در برخورد با آنها با کمال عدالت رفتار و سعی می‌نماید کوچک‌ترین ظلمی به آنها نشود (جلیلی، ۱۳۷۴، ۵۱). در نوشتارها، قراردادها و عهدنامه‌های پیامبر به مسیحیان نجران و اسقف نجران و دیگر اسقف‌های آن دیار، چنین می‌خوانیم:

**سرزمین ایشان پای کوب نخواهد شد و به آنجا لشکرکشی نمی‌شود و هرکس از ایشان حقی مطالبه کند در کمال انصاف بدون این که بر آنان ستم شود یا ستم کننده باشند، بررسی خواهد شد (احمدی میانجی، ۱۳۶۳، ۱۳۵ و ۳۲۱).**

### ۳-۲- ابلاغ دین و رساندن آیات الهی

یکی از اهداف سیاست خارجی در اسلام ابلاغ پیام دین و رساندن آیات الهی به اقصی نقاط جهان بوده است.

«و اوحی الی هذا القرآن لاندزکم به و من بلغ» این قرآن بر من وحی شده تا شما و تمام کسانی را که سخنان من در طول تاریخ بشر و پهنه زمان و در تمام نقاط جهان به گوش آنها می‌رسد از مخالفت فرمان خدا بترسانم (انعام، ۱۹).

توجه به کلمه «ومن بلغ» (به تمام کسانی که این سخن به آنها می‌رسد) رسالت جهانی قرآن و دعوت عمومی و همگانی آن را اعلام می‌دارد (مکرم شیرازی، ج ۵، ۱۸۰-۱۷۹). بر این اساس یکی از اهداف مهم سیاست خارجی پیامبر اعظم (ص) دعوت تمامی مردمان آن روزگار به اسلام بود. پیامبر(ص) نه تنها مردم مکه، حجاز و شبه جزیره عربستان را به اسلام دعوت نمود بلکه طبق فرمان خداوند دعوت خویش را حتی به خارج از شبه جزیره عربستان از ایران تا روم و مصر و حبشه و دیگر کشورهای وقت رساند (جلیلی، ۱۳۷۴، ۳۶).

### ۴-۲- تلاش در جهت تشکیل امت واحد جهانی

بنا به آیات الهی، هدف اسلام همانند سایر ادیان بزرگ الهی، اصلاح کلیت جامعه انسانی در فراخنای گیتی، بدون توجه به حدود جغرافیایی و مرزهای ساختگی است. به همین خاطر این ادیان و از جمله اسلام همه حکومت‌ها و دولت‌ها را ورای مرزها و نژادهایشان به یک دین و دولت واحد و مرکزیتی یگانه فرا می‌خوانند همچنان که در آغاز رسالت اسلام، پیامبر به حکام ایران، مصر، حبشه، یمن، روم و ... نامه می‌نویسد و آنان را به یگانگی و تن دادن به مدیریت واحد در جامعه انسانی دعوت می‌کند.

پیامبر اکرم در بسیاری از نامه‌ها و از جمله نامه خود به کسری، شخصیت و رسالتش را چنین معرفی می‌کند:

**من پیامبر خدایم که به سوی همه مردم جهان فرستاده شده‌ام تا هرکسی**

را که زنده است هشدار دهم (احمدی میانجی، ۱۳۶۳، ۹۰).

رویکرد جهان شمولانه و جهان وطنانه سیاست خارجی اسلام علاوه بر سیره عملی پیامبر(ص) دارای مستندات قرآنی نیز هست (انعام، ۱۶۵). از جمله در تعالیم اسلامی از کره زمین به بیت و خانه تعبیر شده و انسان به طور مطلق از هر زاد، رنگ و زبان و ملیت و طبقه‌ای، مالک این خانه به حساب آمده است.

#### ۵-۲- نفی سلطه مستکبران و دفاع از مظلومان

استقرار جامعه مطلوب اسلام و روابط انسانی مقبول دین مستلزم روابط اجتماعی و بین‌المللی سالم و به دور از ظلم و تعدی است. جامعه‌ای که به سوی سعادت حرکت می‌کند ناگزیر است هر نوع روابط ناعادلانه و تبعیض‌آمیز را نفی و به جای آن روابط سالم و به دور از ظلم و رعایت حقوق همگان را جایگزین کند (موسوی، ۱۳۸۲، ۴۴). از این رو دین اسلام نه تنها ظلم را منع می‌کند بلکه پذیرش ظلم و زیر بار ظلم رفتن را نیز محکوم می‌کند و برای آن مجازاتی سخت قائل می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۷۱، ۶۸).

از سوی دیگر سلطه کفار بر مسلمانان موجب حقارت و پستی و ذلت مسلمانان در برابر غیر مسلمانان خواهد شد که این نیز با اهداف عالی اسلام و رسالت نبوی مغایرت کامل دارد زیرا قرآن، پیامبر مکرم خویش و مسلمانان را دارای عزت معرفی می‌کند (منافقون، ۸). طبق این آیه عزت برای خدا و پیامبر و مسلمانان است پس علی‌القاعده راه هرگونه تسلط و نفوذ و برتری تشریعی کفار بر مسلمانان نفی شود و یکی از نشانه‌های کامل بودن دین نیز همین است (شکوری، ۱۳۶۱، ۳۹۲).

#### ۶-۲- ایجاد امنیت و صلح

گفته شد که یکی از مهم‌ترین اهداف ارسال پیامبران برقراری قسط و عدالت است و این مسأله در معنای واقعی خود، صلح و امنیت را به همراه خواهد داشت. از این رو نوعی تلازم و رابطه دو سویه میان استقرار صلح و عدالت وجود دارد چنان‌که جنگ و تخاصم، ناشی از تعدی، برتری جویی و تمامیت‌خواهی است. در شرایطی که این مسائل تعدیل و تحت کنترل درآید جامعه با صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز قرین خواهد بود (سجادی، ۱۳۷۹، ۸۱ و ۱۷۵). قرآن کریم بعد از اشاره به دو گروه مؤمنان بسیار خالص و منافقان مفسد، مؤمنان را به صلح و سلام و تسلیم در برابر فرمان خدا دعوت می‌کند.

«یا ایها الذین امنوا ادخلوا فی السلم کافه ..» (بقره، ۲۰۸)

از دعوت عمومی این آیه که همه مؤمنان را بدون استثناء از هر زبان و نژاد و منطقه جغرافیایی و قشر اجتماعی، به صلح و صفا دعوت می‌کند، استفاده می‌شود که در پرتو ایمان به

خدا، تشکیل حکومت واحد جهانی که صلح در سایه آن همه جا آشکار گردد، امکان پذیراست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۲، ۸۲).

از این رو پیامبر گرامی اسلام از طریق وحی، خطوط صلح و امنیت عمومی را ترسیم می‌کردند و خودشان نیز در کشمکش‌های خارجی، خطوط ترسیم شده را مجسم می‌ساختند چنان‌که اعمالی که در فتح مکه انجام دادند می‌تواند روش حکومت اسلامی را در مقابل دشمن مغلوب روشن سازد (سبحانی، ۱۳۷۰، ۶۰۵). همچنین آن حضرت برای ایجاد انگیزه در مخالفان برای مذاکره و توافق‌های اصولی و کشاندن آنها به مذاکرات صلح آمیز از توافق‌های جزئی در مورد قدر مشترک‌ها صرف‌نظر نمی‌کردند و با توافق در زمینه مسائل فرعی راه را برای رسیدن به توافق‌های اصولی‌تر و بیشتر هموار می‌کردند (عمید زنجانی، ۱۳۷۹، ۲۴۹).

به هر حال اهداف برشمرده شده فوق‌تنها بخشی از اهداف سیاست خارجی اسلام (ص) را شامل می‌شد که البته پرداختن به سایر اهداف آن حضرت در حوزه سیاست خارجی مجال و فرصت بیشتری را می‌طلبد. همچنین با توجه به آنچه که درباره اهداف عام و خاص سیاست خارجی در چارچوب نظری بحث گفته شد، اهداف سیاست خارجی اسلام دارای هر دو ویژگی است. توضیح آن‌که اهدافی نظیر تأمین امنیت و تعمیق آن، حفظ تمامیت ارضی، رشد و توسعه اقتصادی و ... در زمره اهداف عام و مشترکی است که دولت اسلامی مدینه در پی تحصیل آن بود. تلاش‌های پیامبر (ص) برای ایجاد امنیت و تعمیق آن در فضای ناامن جزیره‌العرب و برنامه‌های ایشان برای رسیدن به توسعه اقتصادی در این راستا قابل تحلیل است. اگرچه می‌بایست این نکته را متذکر شد که در همه این اهداف، تعبیر و تفاسیر مبتنی بر احکام دین و قرآن کریم حاکم بود لذا مکانیزم اجرایی تحقق این اهداف با سایر کشورها متفاوت بود.

از سوی دیگر اهدافی نظیر تشکیل نظام توحیدی، عدالت گسترده، نفی سلطه، دفاع از محرومان و مستضعفان و احیاء حاکمیت فضیلت‌ها و ارزش‌های معنوی و دینی در زندگی بشر، تکریم انسان و سعادت او، ظلم ستیزی و ... به عنوان اهداف خاص و ویژه در سیاست خارجی دولت اسلامی در مدینه مشاهده می‌شود.

### ۳ - مکانیزم‌های سیاست خارجی در اسلام

همانطور که پیشتر گفته شد انتخاب نوع مکانیزم در سیاست خارجی بستگی به شناخت کامل از دو مقوله منابع قدرت و محیط سیاست خارجی دارد. از این رو پس از اشاره به این دو مقوله در سیاست خارجی اسلام، به بیان مکانیزم‌های سیاست خارجی اسلام می‌پردازیم.

#### ۳-۱ - قدرت و سیاست خارجی اسلام

در اسلام منشأ قدرت به خداوند متعال باز می‌گردد زیرا «ان القوه لله جميعا» یعنی تمام قدرت و قوت از آن خداست (بقره، ۱۶۵).

در جای دیگر فرموده «لا قوة الا بالله» یعنی هیچ صاحب قدرت مستقل مگر به اذن خداوند در عالم وجود ندارد (کهف، ۳۹) و این قدرت از جانب خدا به انبیا و ائمه و علمای بیدار دین تفویض شده است (نساء، ۵۹). نکته قابل توجه این‌که مسأله قدرت در سیاست خارجی اسلام صرفاً محدود به جنبه‌های مادی قدرت نیست اگرچه به آن نیز توجه شده است. به عنوان نمونه قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة» (انفال، ۶۰) اما چون هدف اسلام تصرف اراضی و سیطره بر ملت‌ها نیست بنابراین کسب قدرت و اقتدار نیز در چارچوب انگیزه‌ها و غایات دین و بعثت پیامبر معنا می‌یابد. از این‌رو آنچه که در اسلام اهمیت دارد پیوند ابعاد مادی و معنوی قدرت به یکدیگر و تلاش برای نیل به اهداف بعثت از طریق بسیج امکانات مادی و معنوی است.

نگاهی به زمینه‌ها و شرایط تأسیس دولت نبوی و برقراری روابط خارجی و دیپلماسی رسول خدا، پیوند عمیق اهداف و رفتار سیاست خارجی اسلام را با مسأله قدرت نشان می‌دهد. قدرت اعم از بعد مادی و معنوی آن، نقش مؤثری در سازماندهی برنامه‌ها و تصمیمات آن حضرت ایفاء می‌نمود و رسول خدا همواره ضمن نگاه به اهداف، توجه خاصی به ابزارها و وسایل نیل به آن داشته و اقدامات خود را با توجه به قدرت و توان موجود تنظیم کرده و با اتخاذ سیاستی فعال در جهت افزایش قدرت و اقتدار دولت مدینه اقدام نمودند.

بررسی مراحل دعوت در مکه و سیاست خارجی دولت نبوی در مدینه نشان می‌دهد که رسول خدا به الطاف و قدرت لایزال الهی مدد می‌شد و از طرفی برای تحقق بخشیدن به اهداف بعثت نیازمند عده و عده بسیج امکانات و افزایش قدرت در دسترس بود تا بتواند اهداف اسلام را تحقق بخشد. با تأسیس حکومت، برقراری امنیت، آرامش و انسجام داخلی، حفظ مرزها و افزایش توان دفاعی در دستور کار پیامبر(ص) قرار گرفت که خود تداعی کننده نیاز به سطح بالایی از قدرت بود که رسول خدا با سیاست‌های داخلی و خارجی ماهرانه خود توانست به آن دست یابد و به تبع آن به عنوان یک قدرت اثرگذار در منطقه جزیره‌العرب و سرزمین‌های خارج آن ظاهر شود (ستوده، ۱۳۸۶، ۶۴۸).

## ۲-۳- شرایط محیطی سیاست خارجی در عصر ظهور اسلام

در نظر گرفتن ویژگی‌های محیطی در تحلیل سیاست خارجی دولت اسلامی زمان ظهور اسلام امری ضروری به نظر می‌رسد. این مسأله مستلزم آشنایی با قدرت‌ها و حکومت‌های مهم آن دوره است. سیستم بین‌المللی آن روز را دولت‌های بزرگ ایران و روم و دولت‌های کوچکتر منطقه و نیز قبایلی که خصوصیت دولت را داشتند، تشکیل می‌دادند. بنابراین بررسی شرایط و موقعیت دولت‌های منطقه‌ای بزرگ آن زمان تصویری از جهان را در عصر ظهور اسلام نشان می‌دهد. تاریخ نویسان هنگام بحث از شبه جزیره عربستان، تاریخ قسمت جنوبی آن را بر شمال و

صحرا مقدم می‌دارند. این تقدیم از آن جهت است که این منطقه از هزاره دوم پیش از میلاد تا ظهور اسلام پیوسته دست‌خوش دگرگونی بوده است در صورتی که قسمت‌های خشک و غیر قابل سکونت آن تاریخی یک‌نواخت دارد و یا تحول آن به کندی همراه بوده است.

به علت دگرگونی‌های به وجود آمده و سقوط دولت‌های بزرگ در جنوب شبه‌جزیره عربستان، بعضی قدرت‌مندان این منطقه و همچنین مهاجران شرق و شمال چنان نیرومند شدند که توانستند حکومت‌هایی نظیر غسانیان، لحمیان و آل‌کنده را تأسیس کنند (شهیدی، ۱۳۷۱، ۶ و ۲۲). در زمان ظهور اسلام، پیامبر(ص) با قدرت‌های مذکور که به شکل دولت در منطقه حضور داشتند، مواجه بودند کمی دورتر دولت‌های حبشه و مصر در آن سوی دریای سرخ قرار داشتند اما تمامی این دولت‌ها، دولت‌های غیرمستقل و وابسته به یکی از دو قدرت بزرگ ایران و روم به شمار می‌رفتند. دو دولت ایران و روم شرقی در دوسوی حجاز سیطره افکنده بودند و بر تمامی دولت‌های منطقه سیادت داشتند (جلیلی، ۱۳۷۴، ۲۰).

هریک از این دو هر از چند گاهی برای تصرف مناطق دولت دیگر دست به حمله به مناطق نفوذ دشمن دیگر می‌زد. بدین خاطر هر یک از دولت‌های کوچک منطقه هر چند وقت تحت فرمان یکی از این دو دولت بودند (همان). به عنوان نمونه غسانیان در حمایت امپراطوری روم و لحمیان در حمایت امپراطوری ایران بودند و ترقی و تنزل این دولت‌ها نیز بستگی به قدرت‌هایی داشت که از آنان حمایت می‌کردند (شهیدی، ۱۳۷۱، ۲۲). با توجه به نقش و موقعیت امپراطوری‌های ایران و روم در تحولات محیطی عصر پیامبر(ص)، به طور مختصر به معرفی آنان می‌پردازیم.

هنگام ظهور اسلام و طلوع خورشید رسالت، دین رسمی ایران زرتشتی بود. همچنین ادیان و مسالک دیگری چون نصرانیت، یهودیت، مانوی و مزدکی نیز در ایران پیروانی داشتند. نوع حکومت ایران شاهنشاهی، سلطنتی و استبدادی بود و سلاطین آن همواره عیاش بودند.

امپراطوری روم شرقی وارث عظمت و شکوه کهن امپراطوری روم بود که دوران علم و فلسفه را در تمدن یونان و روم پشت سر گذاشته بود. قسطنطنیه (استانبول) مرکز این امپراطوری بود که کشورهای غربی اروپا تا اسپانیا را تحت سلطه داشت. همچنین یونان و ترکیه فعلی، شام، فلسطین، مصر و قسمت‌هایی از آفریقا را در تصرف خود داشت و گاه‌گاهی هم به قلمرو ایران ساسانی تجاوز می‌کرد. دین رسمی رومی‌ها نخست بت پرستی بود و بتکده‌ها و انواع بت در آنجا وجود داشت به گونه‌ای که تعداد خدایان رومی ضرب‌المثل شده بود (حسنی، ۱۳۷۸، ۱۰۸-۱۰۰). به هر ترتیب عیاشی و هرزگی و اسراف سلاطین این امپراطوری‌ها، از یک سو، و تجاوز و ظلم آنها از سوی دیگر اوضاعی آشفته در عصر پیامبر(ص) را به وجود آورده بود چنانچه امیرمؤمنان علی(ع) در توصیف جهان در عصر بعثت پیامبر(ص) فرمودند:

**خداوند پیامبر اسلام را وقتی فرستاد که از دیرباز پیامبری نیامده بود.**

ملت‌ها در خوابی طولانی فرو رفته بودند سر رشته کارها از هم گسیخته و آتش جنگ‌ها در همه جا شعله‌ور بود، دنیا را تاریکی و جهل و گناه تیره کرده بود. بدبختی‌ها به بشر هجوم آورده و چهره کریه خود را نمایان کرده بود. ترس دل‌های مردم را فراگرفته و تنها پناه‌گاهشان شمشیر بود (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۸).

با شناخت و آگاهی از دو مقوله قدرت و شرایط محیطی سیاست خارجی اسلام اینک به بیان مکانیزم‌های سیاست خارجی در اسلام می‌پردازیم.

همانطور که گفته شد منظور از مکانیزم‌های سیاست خارجی اسلام، روش‌ها و شیوه‌های دستیابی به اهداف سیاست خارجی اسلام است که با در نظر گرفتن منابع مادی و معنوی قدرت و شرایط محیطی سیاست خارجی اتخاذ می‌شود. در مباحث گذشته به اهداف سیاست خارجی در اسلام اشاره شد و بر اساس آن به اهدافی وسیع و گسترده نظیر تشکیل نظام توحیدی و عدالت‌گستر، نفی سلطه، حمایت از مستضعفان جهان و... پرداخته شد. دین اسلام برای عملی شدن این اهداف از مکانیزم‌های متعددی بهره می‌برد برخی از این مکانیزم‌ها عبارتند از (عمیدزنجانی، ۱۳۷۹، ۲۷۶):

- ۱- دعوت به اسلام به عنوان اساسی‌ترین راهبرد مکتب، تا همه گروه‌های بشری به نهضت جهانی اسلام و امت واحد خداجو بپیوندند.
- ۲- ایجاد وحدت بین جوامع بشری برای رسیدن به امت و حکومت واحد در سایه قانون الهی.
- ۳- تفاهم به وسیله رسیدن به توافقی‌های نسبی تا راه را برای جامعه واحد بشری هموار کند.
- ۴- صلح توأم با قدرت که موجب جلب حمایت دیگران و کمک به کل بشر در جهت رسیدن به آرامش زندگی است.
- ۵- ایجاد امنیت از طریق تخفیف فشار دشمنان و تقلیل شرارت و شیطنت آنان که راحتی خود را در اسارت و زجرکشی دیگران می‌دانند.
- ۶- آمادگی رزمی و تجهیز نظامی کامل برای دستیابی به یک واکنش سریع و عملیت برتر نظامی به منظور ارباب دشمن.
- ۷- تألیف قلوب از طریق کمک‌های مادی برای جلب تمایل و همکاری کسانی که جز از راه کمک‌های مادی نمی‌توان از نیرویشان سود برد و از شرشان در امان ماند.
- ۸- سرانجام جهاد به عنوان آخرین راه حل برای باز کردن راه پیشرفت نهضت جهان‌شمول اسلام و برداشتن موانع و سد راههایی که دشمنان آزادی بشر و سران کفر و استکبار بر سر راه رهایی انسانها به وجود آورده‌اند.

در یک تقسیم‌بندی کلی‌تر می‌توان مکانیزم‌های سیاست خارجی اسلام را در قالب مکانیزم‌های سیاسی دیپلماتیک، اقتصادی، تبلیغاتی و دفاعی مورد توجه قرار داد. البته از آنجا که لازمه شناخت بهتر و تحقق این مکانیزم‌ها در گرو الگوپذیری از دولت نمونه اسلامی و مطالعه رفتارهای سیاست خارجی آن دولت است در این بحث به مکانیزم‌های متخذه از سوی دولت نبوی تأکید می‌شود.

### ۱- مکانیزم‌های سیاسی دیپلماتیک

ارسال سفیر به مناطق مختلف و پذیرش هیأت‌های قبایل و کشورها در قالب دیپلماسی به عنوان یک وسیله مهم در دعوت پیامبر(ص) به خوبی مشهود است. توجه پیامبر به دیپلماسی مرسوم آن زمان و استفاده از آن در قالب صحیح به پیشبرد اهداف سیاست خارجی پیامبر کمک شایانی نمود. به عنوان مثال چون برای پیامبر نامه‌ای به زبان سریانی رسید ایشان به «زیدبن ثابت» دستور دادند تا آن زبان را به خوبی یاد بگیرد و از وی به عنوان مترجم پیامبر که به زبانهای فارسی، رومی، قبطی و حبشی آشنایی داشت نام برده‌اند.

درباره پذیرش هیأت‌ها و نمایندگان خارجی نیز شواهدی نقل شده که نشان‌گر نحوه برخورد پیامبر با دیپلماتها در آن زمان بوده است. در مدینه محلی به نام «دارالضیوف» تعیین گردید که از میهمانان پذیرایی شایسته‌ای به عمل می‌آمد. پیامبر(ص) به هیأت‌های که می‌آمدند، هدایایی نیز می‌دادند و به بلال توصیه می‌فرمودند که هدیه‌هایی که به آنها می‌دهید بیشتر از مقداری باشد که آن هیأت‌ها آورده‌اند (جلیلی، ۱۳۷۴، ۸۴ و ۸۶).

پیامبر(ص) شیوه دعوت و مذاکره را برای تمام سفیران خود یک تکلیف می‌دانست و آنان را موظف می‌کرد تا دیپلماسی را مقدم بر شیوه‌های خشونت‌آمیز بدانند (سجادی، ۱۳۷۹، ۹۹). بدین ترتیب شیوه پیامبر(ص) در دعوت و اعزام مبلغ، مربی، سفیر و هیأت‌های نمایندگی، ارسال پیام به سران دولت‌ها، تشکیل جلسات بحث آزاد و برخوردهای منطقی با مخالفان، نشانه‌هایی از دیپلماسی فعال پیامبر است (عمید زنجانی، فقه سیاسی، ۳۲۱).

### ۲- مکانیزم‌های اقتصادی

عوامل اقتصادی ابزار مهمی در دست پیامبر(ص) در صحنه سیاست خارجی بود. یکی از اهرم‌های پیامبر(ص) در این خصوص مسأله تألیف قلوب بود. تألیف قلوب در اصطلاح فقه سیاسی عبارت است از حمایت مالی و اقتصادی امام مسلمین به منظور جذب مردم به اسلام برای آن‌که در مواقع لزوم به دفاع از اسلام برخاسته و یا حداقل در صف دشمنان اسلام قرار نگرفته و به آنها نپیوندند و کسی که از چنین حمایت مالی و اقتصادی مسلمانان و یا امام مسلمین برخوردار می‌شود در

اصطلاح از آن به « مؤلفه القلوب » تعبیر می‌شود (موسوی، ۱۳۸۲، ۱۱۸).

پیامبر اکرم(ص) به عنوان رهبر نخستین دولت اسلامی در موارد عدیده‌ای از این ابزار اقتصادی برای گسترش اسلام بهره گرفتند و علی‌رغم مخالفت دیگران در این جهت سرمایه‌گذاری می‌کردند از جمله در جنگ طائف به اشراف و بزرگانی که تازه مسلمان شده بودند و یا مشرکانی که به آن حضرت کمک کرده بودند از غنائم بیش از دیگران سهم دادند تا سبب جلب نظر آنها و قبیله و فاملیشان شود (ابن‌هشام، ۱۳۴۸ق، ج ۲، ۳۱۴).

عوامل اقتصادی همچنین گاهی به عنوان اهرم فشار برای مقابله با دشمن از سوی پیامبر(ص) به کارگرفته می‌شد. نا امن کردن راه‌های تجاری قریش و محاصره اقتصادی - نظامی دشمن از جمله این فشارهاست. سربه‌های « عبیده بن حارث »، « حمزه بن عبدالمطلب »، « عبدالله بن جحش » و نیز غزوه‌های ودان، بواط و عشیره همه در تعقیب کاروان‌های قریش و به منظور نا امن کردن راه‌های تجاری آنها بوده است. ضمن این‌که جنگ‌های مذکور بنیه مالی مسلمانان را تقویت نموده و به دشمنان اسلام صدمات اقتصادی شدیدی وارد می‌ساخت (جلیلی، ۱۳۷۴، ۱۲۱).

### ۳- مکانیزم‌های تبلیغاتی

ذات و ماهیت اسلام اقتضای تبلیغ دارد و به همین جهت پیوسته در حال روشنگری و دعوت و بیان حقایق است. تاریخ نشان می‌دهد که کار تبلیغی پیامبر بزرگوار اسلام در پنج مرحله و در هر یک از آنها به روشی ویژه انجام می‌پذیرفت. آن مراحل عبارتند از: ۱- مرحله دعوت پنهانی ۲- مرحله دعوت آشکار ۳- دوران فشار و آزار شدید مشرکان بر مسلمانان ۴- مرحله هجرت ۵- مرحله استقرار در مدینه. در مرحله آخر که دولت اسلامی در مدینه تشکیل شده بود و در همه مراحل قبلی، ابزارهای تبلیغاتی فراوانی مورد استفاده واقع شد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

- ملاقات و مذاکرات مستقیم با یهودیان مدینه به منظور همزیستی مسالمت آمیز.
- برقراری روابط دوستانه با قبیله‌های مجاور شهر مدینه.
- شبکه‌های اطلاعاتی و خبر رسانی که به عنوان تدبیر احتیاطی به هنگام وقوع جنگ‌ها تشکیل می‌شد.
- سخنرانی و ایراد خطبه توسط پیامبر در مناسبت‌های گوناگون و نمازهای جمعه و اعیاد فطر و قربان.
- اذان که برای اعلام اوقات نمازهای یومیه گفته می‌شد.
- استقبال رسول خدا از هیأت‌های اعزامی مناطق مختلف عربستان و ملاقات با سران

قبائل آنها.

- نامه هایی که رسول اکرم برای پادشاهان و سران کشورهای مختلف جهان ارسال می کرد (الصفار، ۱۳۸۵، ۱۴۳ و ۱۵۰).

برخی از مورخان تعداد این نامه ها را متجاوز از سیصد مورد ذکر کرده اند (عمیدزنجانی، فقه سیاسی، ۳۴۱) که در کتاب مکاتیب الرسول به برخی از آن نامه ها که پیامبر همه آنها را از مدینه برای سران کشورها، قبائل، اسقف ها و رجال ذی نفوذ در حدود امکانات پیکری و مخابراتی آن ایام ارسال شده بود، اشاره شده است.

به هر ترتیب شایستگی عناصر تبلیغی نبوی و حقانیت مکتب و شأن رفیع رسول خدا، انسان ها را آماده پذیرش دعوت و تصدیق به نبوت آن حضرت می کرد به گونه ای که انتشار سریع اسلام در کمتر از نیم قرن و حاکمیت بر شرق و غرب جهان و ورود گروه های بزرگ انسانی به این مکتب جاودانی شاهد این مدعاست (الصفار، ۱۳۸۵، ۱۵۶).

#### ۴- مکانیزم های دفاعی

از دیدگاه اسلام جهاد وسیله ای است که با کمک و توسل آن می توان جلوی عوامل مزاحم فردی و اجتماعی را گرفت و از گسترش فساد و ستم جلوگیری نمود، بیدادگران را سرکوب کرد و متجاوزین را سرچایشان نشانند (صابریان، ۱۳۸۲، ۲۱). از این رو از نظر اسلام به کارگیری مکانیزم های دفاعی برای حفظ مسلمانان و رهایی ستمدیدگان ضروری است و ارتشی که از متن مردم برآمده و در دل آنها جای دارد نه تنها ابزار سرکوب نیست بلکه به فرموده مولای متقیان علی (ع) دژی استوار برای پناه دادن مردم و پناهگاه تسخیرناپذیر آنان خواهد بود (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

مهم ترین عمل پیامبر گرامی اسلام (ص) در به کارگیری مکانیزم های دفاعی، تأسیس یک پایگاه استراتژیک نظامی در مدینه و تبدیل آن شهر به مرکز بسیج و اعزام سپاهیان اسلام به منظور دعوت مردم به دین خدا و دفاع از کیان اسلام بود. فرماندهی جنگ های گوناگون و اعزام سربیهایی از آن شهر به مناطق مختلف توسط پیامبر اکرم در مدت هفت سال، که مورخان مجموع آنها را حدود ۸۰ مورد دانسته اند، صورت می پذیرفت (الصفار، ۱۳۸۵، ۴۱).

نبی گرامی اسلام فرماندهان و سربازان مسلمان را به گونه ای تربیت کرده بود که بتوانند با سرعت به طرف منبع خطر به حرکت درآمده و توطئه را نابود سازند و غیر از نبرد احد که بی توجهی بعضی از تیراندازان مسلمان به دستورهای رسول خدا، تلفات و خساراتی بر مسلمانان وارد آورد، پیروزی پیامبر در تمام جنگها و برنامه ریزی های صحیح نظامی و مهارت و تأییدات آسمانی، آن حضرت را فرماندهی بی نظیر ساخته بود که تمام تحلیل گران نظامی به آن اعتراف دارند (همان، ۴۰ و ۴۴).

## نتیجه

مقاله حاضر با ارائه یک چارچوب تئوریک وارد بحث سیاست خارجی شد و با ابتناء به آن، اهداف و مکانیزم‌های سیاست خارجی در اسلام را مورد توجه قرار داد. مبنای تبیین و تحلیل این مقاله از سیاست خارجی اسلام آموزه‌های قرآن کریم به عنوان کتاب جاویدان هدایت بشریت و سیره پیامبر گرامی اسلام به عنوان بهترین اسوه و الگوی ارائه شده در این مکتب بود. بر این اساس اهداف سیاست خارجی اسلام مانند تشکیل نظام توحیدی در جهان، اقامه قسط و عدالت، ابلاغ دین و رساندن آیات الهی، نفی سلطه و دفاع از مظلوم و ایجاد امنیت و صلح و ... مبتنی بر یک سلسله بنیان‌ها و زیربناهای نظری بر گرفته از آیات شریف قرآن نظیر توحید، عدالت، نفی سبیل، تولی و تبری، وفاء به عهد و ... طراحی و ترسیم شد. به منظور دستیابی به این اهداف، دولت اسلامی پیامبر(ص) مکانیزم‌های متعدد سیاسی دیپلماتیک، اقتصادی، تبلیغاتی، دفاعی و ... را با لحاظ کردن منابع قدرت در سیاست خارجی و شرائط محیطی و اوضاع آشفته جهان در عصر ظهور اسلام مورد بهره برداری قرار داد. تأمل و دقت در رفتار سیاست خارجی پیامبر گرامی اسلام نشان می‌دهد که آن بزرگوار علی‌رغم مشکلات طاقت فرسا و چالش‌های فرا روی موجود در جزیره‌العرب و خارج از آن توانستند با در نظر داشتن رابطه دو مقوله اهداف و مکانیزم‌های سیاست خارجی و به کارگیری الگوهای رفتاری شایسته در این حوزه، اسلام را به فراسوی مرزهای عربستان گسترش داده و تمدن بزرگ اسلامی را پایه‌گذاری نمایند.

## فهرست منابع

- ابن بابویه، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱.
- ابن هشام، **سیره النبی**، ترجمه سیدهاشم رسولی‌محللاتی، تهران: اسلامیه، ۱۳۴۸.
- احمدی میانجی، علی، **مکاتیب الرسول**، بی‌جا: بس، ۱۳۶۳.
- جلیلی، سعید، **سیاست خارجی پیامبر(ص)**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد، **سیاست خارجی ج.ا.ا در پرتو تحولات منطقه‌ای**، تهران: دفتر مطالعات، ۱۳۸۴.
- حسنی، علی‌اکبر، **تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام**، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
- خدادادی، محمداسماعیل، **مبانی علم سیاست**، قم: یاقوت، ۱۳۸۵.
- خوشوقت، محمدحسین، **تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی**، تهران: وزارت خارجه، ۱۳۷۵.

- سبحانی، جعفر، **مبانی حکومت اسلامی**، ترجمه داود الهام، قم: مؤسسه علمی فرهنگی سیدالشهدا، ۱۳۷۰.
- ستوده، محمد، **مسأله قدرت و سیاست خارجی دولت نبوی**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۶.
- سجادیپور، سیدکاظم، **چارچوب‌های مفهومی و پژوهشی برای مطالعه سیاست خارجی ایران**، تهران: دفتر مطالعات، ۱۳۸۳.
- شکوری، ابوالفضل، **فقه سیاسی اسلام: اصول سیاست خارجی**، تهران: آرین، ۱۳۶۱.
- شهیدی، سیدجعفر، **تاریخ تحلیلی اسلام**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
- صابریان، علیرضا، **جنگ هشت ساله و حقوق**، قم: احسان، ۱۳۸۲.
- صحیفه نور، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، بی تا.
- الصفار، سالم، **سیره پیامبر(ص) در رهبری و انسان سازی**، ترجمه غلامحسین انصاری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵.
- عمیدزنجانی، عباس‌علی، **انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن**، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
- \_\_\_\_\_، **فقه سیاسی: حقوق بین‌الملل اسلامی**، ج ۳، تهران: امیرکبیر، بی تا.
- \_\_\_\_\_، **حقوق تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام**، تهران: سمت، ۱۳۷۹.
- قوام، عبدالعلی، **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، تهران: سمت، ۱۳۸۰.
- کاظمی، سیدعلی‌اصغر، **نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل**، تهران: قومس، ۱۳۶۹.
- محمدی، منوچهر، **اصول سیاست خارجی ج.ا.ا.**، تهران: دادگستر، ۱۳۷۷.
- مطهری، مرتضی، **ولاءها و ولایت‌ها**، قم: صدرا، ۱۳۸۵.
- مقتدر، هوشنگ، **سیاست بین‌المللی و سیاست خارجی**، تهران: مؤسسه خدماتی انتشاراتی، ۱۳۷۰.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، **تفسیر نمونه**، ج ۱۸، ۲۰، ۵، ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴.
- موسوی، سیدمحمد، **دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام**، تهران: انتشارات باز، ۱۳۸۲.

- مورگنتا، هانس‌چی، **سیاست میان ملتها**، تهران: دفتر مطالعات وزارت خارجه، بی تا.

- **Waltz, Kenneth, Theory of International politics :Peace and war**, newyork:cgrawhiII,1973.

- امینی، ابراهیم، **سیاست خارجی حکومت اسلامی**، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۳-۴ (بهمن ۱۳۶۴).

- سجادی، عبدالقیوم، **اصول سیاست خارجی در قرآن**، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۵، (پاییز ۱۳۸۱).

- \_\_\_\_\_، **سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام علی(ع)**، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۱، ۱۳۷۹.

- متقی، ابراهیم، **ایستارهای ادارکی بین‌المللی**، همشهری دیپلماتیک، ش ۵۶، ۱۳۸۴.

#### **کتابشناسی**

- باربر، جیمز و اسمیت، مایکل، **ماهیت سیاست‌گذاری خارجی**، ترجمه حسین سیف‌زاده، تهران: قومس، ۱۳۷۲.

- بخشایشی اردستانی، احمد، **اصول سیاست خارجی ج.ا.ا.**، تهران: آوای نور، ۱۳۷۵.

- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، **نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل**، ترجمه علی‌رضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۲.

- دویچ، کارل و دیگران، **نظریه‌های روابط بین‌الملل**، ترجمه وحید بزرگی، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۵.

- زرگری نژاد، غلام‌حسین، **تاریخ تحلیلی اسلام**، تهران: بی‌نا، ۱۳۸۱.

- شمس‌الدین، محمد مهدی، **جامعه سیاسی اسلامی: مبانی فقهی و تاریخی**، ترجمه مرتضی آیت الله زاده، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.